payamdaily.ir

پیام آشنا

نخستین روزنامه صبح البرز

شماره ۱۶۷۲
سه‌شنبه / ۲۸ مرداد / ۱۳۹۹
۲۸ / ذوالحجه / ۱۴۴۱
18 / August / 2020

صاحب‌امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۲۲۵۳۲۸۲۸-۲۲۵۳۴۲۴۲-۰۲۶ فکس: ۲۲۵۵۲۸۳۸
فکس اینترنتی پیام آشنا: ۰۲۱-۸۹۷۸۶۷۳۹
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۴۲/۴۶
چاپ: کارگر

کافه پیام

برای انعکاس نظرات و گلایه‌ها و پیشنهادات خود درباره مسائل البرز با پیام آشنا تماس بگیرید

۳۲۵۵۳۸۳۸
۳۲۵۴۱۴۹۵
۰۹۰۱۴۰۴۸۳۳۳

یادداشت

اتفاقی که این بار ختم به خیر شد

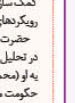

مهدیه صفری

اصلا فکرش را هم نمی‌کردم که دوباره پایم به آنجا باز شود. باز یاد لی که آن‌جا رفتم؛ با گریه بیرون آمدم.
چهار سال پیش دانشجو که بودم. یک واحد درسی داشتم به اسم طراحی معماری استاد از ما خواسته بود پنل را نقد کنیم. من هم انتخاب اولم تالار نژاد فلاح کرج بود. انتخاب کردن من همان و دردسر پشت دردسر همان. چون همایش‌های بزرگ و مهمی آنجا انجام می‌شد و بلاش را به هر کسی نمی‌دادند از این اتاق به آن اتاق، شهرداری منطقه من را می‌فرستاد به شهرداری مرکز، مرکز هم به سازمان!
این شد که یک روز با مادرم به سازمان عمران رفتم؛ کاملا ترم اولی وار. از همان جلوی در برخورد تحکم‌آمیز نداشتند تا آخرین اتاق که از قضا استانتا شهردار هم آن روز آن‌جا بود یک نگاه به ظاهرم انداخت یک نگاه به مادرم که با اورفته بودم آن‌جا. یک نه گنده گفت و برخورد نه چندان خوشایند که باعث شد همانجا زدم زیر گریه و گفت: «من فقط دانشجو هستم! ما می‌خوام چی کارش کنم؟ با خودم گفتم که دیگر پایم را آن‌جا نمی‌گذارم!»
پنج سال گذشت تا دوباره پایم به سازمان باز شد. از آن موقع تاکنون مسئولان بارها جلیه‌جا شدند اما ترس آن اتفاق هنوز در وجودم مانده بود. به خیال خودم هر چندوقت یک بار که به آن اتفاق فکر می‌کردم آن‌ها هم پیش خودشان به این فکر می‌کردند که دختر ترم اولی با مادرش آمده! و این حس ناخوشایندی به من می‌داد. حس اینکه نکند من را یادشان باشد همیشه توی ذهنم بود.
این بار با مدیر دفتری که برایشان کار می‌کردم رفتم. به واسطه شغلش همه او را می‌شناختند و از اول فعالیتم برای من کم از مادر هم نبوده است.
اما اینبار برخورد نگهبان سازمان هم فرق می‌کرد. دیگر خبری از خانوم کجامیروی مگر نامه داری نبود؟
من پشتش حرکت می‌کردم و همه با اون سلام و حال احوال داشتند و به واسطه آن من را هم تحویل می‌گرفتند. خبری از آن چهره‌های اخمو هم نبود. لگاز آن خمگی گذشته را نداشت. آن روز به خاطر این اتفاق خوشحال بودم اما چه تمیزی رخ داده بود؟ مسئول این رفتار شهردار پیشین بود یا مسئول دیگری تغییر کرده بود؟ اما این سوال ذهنم را مشغول کرد که آیا اگر همین الان دوباره یک دانشجوی ترم اولی بیاید همان برخورد سابق من را می‌بیند یا خیر.

mahdiesafarii73@gmail.com

قاب سبز

بانوی ایرانی به تو می‌بالم

مریم مازوچی

بانوی ایرانی به تو می بالم که با این دست ها و انگشت های هنری ات که با هربود و نقش آن حرفی برای گفتن داری وقتی باهمیم را روی فرش می گذارم تمام احساساتم دگرگون می شود آن نقش شکارگاه با ترنج قالی تمام هنر طراحی را در خودش جای داده است.
وقتی که به فرش های دستباف نگاه می کنم تمام ذهنم را به آن طرح ها می سپارم که معنی این طرح ها چیست؟ و بافنده با چه احساسی این فرش را بافته است؟ آن ها فرش را با تمام حس و حال می بافند.
حس زیبای آن طرح فرش که طراح خالق آن است. با آن انگشت های ظریف زن ایرانی که نخ ها را در آن در بر معنا به هم گره می زند، بافته می شود. تمام رنگ های فرش می توانند با آدم حرف بزنند وقتی که هنر و فرهنگ ایرانی در یک نقشه طراحی می شود و بافنده آن را می بافد. قطعا آن ها هم می توانند معنی داشته باشند.
فرش برای زیبایی خانه وحتی زیبایی زندگی تاثیر دارد و شاید بهترین فرش های جهان فرش هایی است که با دست ظریف زن ایرانی بافته می شود.

خبر

اصلاح روش‌های دسترسی به منابع تاریخ شفاهی کتابخانه‌ملی

رئیس پژوهشکده اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران از اصلاح روش دسترسی منابع تاریخ شفاهی در این سازمان خبر داد.

به گزارش پیام آشنا: غلامرضا عزیزی در تشریح دیجیتال‌سازی و دسترس پذیر شدن مصاحبه‌های کتب تاریخ شفاهی در این سازمان گفت: برای دست یابی محققان به منابع تاریخ شفاهی روش دسترسی به مصاحبه‌های تاریخ شفاهی در سه فاز اجرایی اصلاح شد.
رئیس پژوهشکده اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران ادامه داد: برنامه اجرایی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران در فاز نخست به این صورت است که مصاحبه‌های تاریخ شفاهی سازمان برای مراجعه کنندگان و محققان به طور مستقیم از طریق کتابخانه و آرشیو دیجیتال سازمان، در اختیارشان قرار خواهد گرفت.
وی اضافه کرد: در واقع مراجعه کنندگان الزامی به حضور در اتاق تاریخ شفاهی در ساختمان آرشیو ملی ندارند و در هر دو ساختمان کتابخانه ملی و آرشیو ملی و از درگاه کتابخانه و آرشیو دیجیتال می‌توانند به منابع دسترسی پیدا کنند.

امروز با حافظ

فیض از ابه زور و زر ار آمدی به دست
آب خضر نصیبه اسکندر آمدی
آن عهد یاد باد که از بام و در مرا
هر دم پیام یار و خط دلبر آمدی

خوانش

به من که سوختم از داغِ مهربانی‌خویش
فراق و وصل تو نامهربان چه خواهد کرد.

رهی معیری

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۴۲	۰۶:۱۸	۱۳:۱۳	۲۰:۰۲	۲۰:۲۱

برگه

اگر می خواهی خوشحال باشی، خوشحال باش؛ به همین سادگی.

لئوتولستوی

یادداشت

ردپای کودتا در البرز

آرامگاه و تبعیدگاه دکتر مصدق در احمدآباد

حسین عسگری

۶۷ سال از کودتای آمریکایی، انگلیسی و پهلوی در روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ گذشت. کودتایی پیچیده که منجر به سقوط دولت قانونی ایران شد. محمدرضا شاه که از کشور گریخته بود باز دیگر برگشت و نیروهای ملی و مذهبی با مشت آهنین حکومت پهلوی سرکوب، زندانی و یا منزوی شدند. دکتر محمد مصدق هم در یک دادگاه نظامی فرمایشی به سه سال زندان انفرادی در لشکر ۲ زرهی محکوم شد.
اخیراً بخش هایی از اسناد مربوط به کودتا از حالت طبقه‌بندی خارج شده و تعدادی از آنها در «وب سایت آرشیو امنیت ملی آمریکا» قابل مشاهده است. این اسناد به صراحت دخالت مثلث استعمار و استبداد بر پرانداری دولت مردمی ایران را تأیید می کند. پس از کودتا ۲۵ سال دیگر حکومت پهلوی ادامه پیدا کرد البته با کمک سازمان اطلاعات و امنیت (ساواک) و غلبه رویکردهای امنیتی و اطلاعاتی.
حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب، در تحلیل کودتای ۲۸ مرداد فرموده‌اند: «غربی‌ها به او (محمدرضا شاه) کمک کردند تا بتواند یک حکومت ملی را سرنگون کند، غربی‌ها خودشان مستقیماً در ۲۸ مرداد حکومت مصدق را - که یک حکومت ملی بود، کاری به اعتقادات مصدق ندارم، بالاخره حکومت ملی بود - سرنگون کردند»
با جست و جو در منابع مکتوب و اسناد برجای مانده می توان ردپاهایی از این کودتا را در استان البرز پی گرفت:
۱. دکتر مصدق پس از گذرگذرن حیس انفرادی سه ساله به جای این که آزاد شود از ۱۳ مرداد ۱۳۳۵ تا ۱۴ اسفند ۱۳۴۵ به روستای احمدآباد از توابع شهرستان نظرآباد در استان البرز تبعید شد. تبعیدی رنج‌آور که مشمول آزارها و نظارت های سخت گیرانه ساواک بود. این تبعید بر اساس اسناد محرمانه وزارت خارجه آمریکا به تدبیر و توصیه سازمان جاسوسی آن کشور موسوم به «سیا» انجام شده بود.
۲. نوه های شعبان جعفری مشهور به بی مخ که پس از کودتا به عنوان «تاجبخش» را شاه دریافت کرده بود، گاه و بیگاه با طراحی و هدایت ساواک در پوسته مردم به احمدآباد می آمدند و با شمارها و دشنام هایشان مصدق را آزار می دادند. پس از این فشارهای روانی بود که ساواک حلقه حصر را تنگ تر کرد به طوری که در اواخر تبعید منتهی به مرگ مصدق برای دیدار با خانواده‌اش نیز تحت فشار و تدابیر پیچیده امنیتی بود. او وصیت کرده بود در کنار مزار شهدای ۳۰ تیر ۱۳۳۱ به خاک سپرده شود اما شاه اجازه نداد و پیکرش املی در احمدآباد به خاک سپرده شد. از سال ۱۳۴۵ تا آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، این بار قبر مصدق در حلقه امنیتی ساواک قرار گرفته بود. اسناد برجای مانده نشان می دهد که چگونه نیروهای مخالف حکومت پهلوی در احمدآباد مورد آزار مأموران ساواک قرار گرفته‌اند.
۳. بازرگان سیاسی «عبدالله مقدم» بنیانگذار کارخانجات نساجی در شهر نظرآباد، مخالف دکتر مصدق بود و از نزدیکان به محافل قدرت ثروت سوی پاسگاه ژاندارمری اشتهارد بازداشت شد. یامصدق و اتفاق بازرگانی ایران آغاز شده بود. همین مخالفت‌ها باعث شد که مقدم در سال های پس از کودتا آشکارا و رسماً از شعبان جعفری (بی‌مخ) که از عوامل اجرایی کودتا به شمار می رفت دعوت کرده و او از دو در شهر نظرآباد پسان مقامات دولتی استقبال و پذیرایی کند. البته این دیدار، بازدیدهای مقدم و همکارانش از زور خانه شعبان را در پی داشت. بخشی از عکس های یادگاری مقدم و شعبان در آرشیو آقای کریم توسلیان (دایر کننده نخستین عکاسی نظرآباد) قابل مشاهده است.
۴. پس از کودتا، خانه مصدق در تهران تخریب شد و بخشی از آجرها و درب آن خانه به تبعیدگاه صاحب خانه منتقل شد. فرورفتگی های این درب، حاصل برخورد شدید چیب شعبان بی مخ با آن است. این درب آهنی، اثری مهم از کودتای ۲۸ مرداد در استان البرز به شمار می رود. استیفن کینزر خبرنگار ارشد روزنامه نیویورک تایمز و نویسنده کتاب «همه مردان شاه» این درب را در احمدآباد دیده و درباره آن مطالبی نوشته است.
۵. آیت الله محمد محمدی نشاط‌هادی (نویسنده و پژوهشگر البرزی) در سال های پس از کودتا از حکومت پهلوی به شمار می رفت. این تقابل مقدم با مصدق و اتفاق بازرگانی ایران آغاز شده بود. همین مخالفت‌ها باعث شد که مقدم در سال های پس از کودتا آشکارا و رسماً از شعبان جعفری (بی‌مخ) که از عوامل اجرایی کودتا به شمار می رفت دعوت کرده و او از دو در شهر نظرآباد پسان مقامات دولتی استقبال و پذیرایی کند. البته این دیدار، بازدیدهای مقدم و همکارانش از زور خانه شعبان را در پی داشت. بخشی از عکس های یادگاری مقدم و شعبان در آرشیو آقای کریم توسلیان (دایر کننده نخستین عکاسی نظرآباد) قابل مشاهده است.

تدابیر دکتر مصدق در تبعیدگاه احمدآباد

شعبان جعفری مشهور به بی مخ از عوامل اجرایی کودتای ۲۸ مرداد

عبدالله مقدم بنیانگذار کارخانجات نساجی مقدم در شهر نظرآباد

اثری از کودتای ۲۸ مرداد در روستای احمدآباد

محاکمه دکتر مصدق پس از کودتای ۲۸ مرداد

تقریر عبدالله مقدم از شعبان جعفری در کارخانجات نساجی مقدم شهر نظرآباد

تبعید دکتر مصدق به احمدآباد در ۱۳ مرداد ۱۳۳۳

خبر

کتاب مجموعه آثار نقاشی جدید و قدیم "علی اکبر صفاییان" منتشر شد

پس از سال‌ها انتظار، به تازگی مجموعه‌ای از آثار نقاشی جدید و قدیم استاد "علی اکبر صفاییان" با همت مدیریت نشر پیکره در تهران به زیور طبع آراسته شده و در اختیار علاقمندان قرار گرفته است.

به گزارش پیام آشنا: جواد مجلی در مقدمه ای براین کتاب می نویسد: "گر سفری به آلمان، چند روزی مهمان دوست عزیزم صفاییان و خانواده فرهنگی او بودم. با آثار صفاییان از آغاز فعالیت هنری‌اش در تهران آشنا بودم و آن‌ها را تابلو به تابلو پی گرفته بودم و دنیای زلال و جوشان و رنگارنگش مایه دوستی بین ما و ستایش آثارش می‌شد که ذهن آفرینشگر هنرمند از انسان معاصر و هستی چالشگر و چند رویه این روزگار می‌داد. در این سفر، فرصتی فراهم شد تا بار دیگر نگاهی دقیق‌تر به آن آثار بیافکنم که اصل آن مقاله‌ای شد که می‌بایست پیش‌گفتاری برای مجموعه آثار هنرمند باشد. انتشار این مجموعه تاکنون به تاخیر افتاده است و زیان‌مندی این فاصله دراز در شرایط نابسامان بازار فرهنگ چندان عجیب نیست. اکنون خوشحالم که این کتاب در وطن شاعر، نقاش و مجسمه ساز مادر نیز در ۱۴۰ صفحه با جلد لفاف و کاغذ مرغوب، تصاویر تابلوهای قدیم و جدید به صورت تمام رنگی ارائه شده است. امور چاپ و پخش کتاب در ایران و انتشارات پیکره با مدیریت محمد حسن حلمدی بر عهده دارد. نشانی نشر پیکره: تهران، خیابان آزادی، ابتدای خیابان آذربایجان، پلاک ۱۰۳۴، واحد ۳ شماره تماس: ۶۶۰۳۸۴۱۹

قلمرو اکسپرسیونیسم انتزاعی گرایش یافته است. در کنار آن به ساختن مجسمه ها و لیف های تجریدی دست یازیده که قبال مخاطبان و تحسین منتقدان را در پی داشته است" گفتنی است که آثار متنوع نقاشی و برنامه‌های شعرخوانی صفاییان تا به حال علاوه بر تهران، در شهرهای مختلف آلمان، فرانسه، ژاپن و پاکستان به اجرا در آمده است. در کتاب حاضر نیز در ۱۴۰ صفحه با جلد لفاف و کاغذ مرغوب، تصاویر تابلوهای قدیم و جدید به صورت تمام رنگی ارائه شده است. امور چاپ و پخش کتاب در ایران و انتشارات پیکره با مدیریت محمد حسن حلمدی بر عهده دارد. نشانی نشر پیکره: تهران، خیابان آزادی، ابتدای خیابان آذربایجان، پلاک ۱۰۳۴، واحد ۳ شماره تماس: ۶۶۰۳۸۴۱۹

دیدگاه

بیرون آمدن نام زنان از پشت نام‌های مستعار مردانه

مجموعه‌ای از ۲۵ عنوان کتاب از نویسندگان زن که تاکنون با نام‌های مستعار مردانه منتشر می‌شده برای نخستین‌بار با نام اصلی نویسنده رونمایی می‌شود.

به گزارش پیام آشنا: به نقل از گاردین، جوایز ادبیات داستانی زنان بیلیز به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد فعالیت خود پروژه‌ای را با عنوان "نام او را بازگردان" تعریف کرده که بر اساس آن ۲۵ اثر از نویسندگان معروف زن که تا امروز با نام مستعار نویسندگان مرد منتشر می‌شده است برای نخستین‌بار با نام اصلی پدیدآورنده منتشر خواهد شد.
از مهم‌ترین این آثار رمان «هیدل مارچ» نوشته «اماری آن اولانز» است که از حدود ۱۵۰ سال پیش به عنوان اثری از «جورج الیوت» منتشر می‌شده است. این کتاب در اوایل قرن نوزدهم میلادی و برای آن که جدی گرفته شود به جای نام «اماری آن» از نام مستعار و مردانه «جورج الیوت» استفاده کرد و اولین‌بار در سال ۱۸۷۱-۱۸۷۲ در هشت بخش منتشر شد.
«اماری آن اولانز» معتقد بود استفاده از نام مستعار موجب شده او از تمام امتیازهای معمول برای یک نویسنده برخوردار شود و همسرش «جورج لوئیس» نیز می‌گفت انتشار کتاب از نویسنده نشناس و با نام مستعار موجب می‌شود که این اثر فارغ از تعصب‌ها نسبت به نویسندگان زن مورد نقد و قضاوت قرار گیرد.
رمان «هیدل مارچ» که در یک نظرسنجی به عنوان برترین رمان بریتانیایی تمام دوره‌ها معرفی شده است. سرانجام با نام اصلی نویسنده یعنی «مری آن اولانز» و به عنوان بخشی از پروژه "نام او را برگردان" از سوی جوایز ادبیات داستانی زنان بیلیز منتشر می‌شود.
در این پروژه که در مجموع شامل انتشار ۲۵ اثر با نام اصلی نویسندگان است آثاری از «ویولت پاژت» (با نام مستعار ورنوم لی) و «آرور دوپین» (با نام مستعار جورج سند) نیز حضور دارد. جورج سند نویسنده آرژانتینی بود که در قرن ۱۹ میلادی می‌نوشت و علاوه بر استفاده از نام مستعار مردانه برای انتشار آثارش همواره لباس مردانه می‌پوشید و در مکان‌های عمومی سیگار می‌کشید.
آثاری از «مری برایت» با نام مستعار «جورج اگرتون»، فرانسیس رولین» با نام مستعار «فرانک لی رولین» فاطمه فراهانی نویسنده ایرانی با نام مستعار شاهین فراهانی، و «آن پتری» با نام مستعار «آرنولد پتری» نیز در این مجموعه حضور دارند که قرار است به صورت الکترونیکی منتشر شود و جوایز ادبی بیلیز ابراز امیدواری کرده از این طریق بتواند به دیده شدن نام اصلی این نویسندگان و دریافت اعتباری که سزاوار آن هستند کمک کند.
تیم تحقیقاتی جایزه ادبی بیلیز موفق به شناسایی بیش از سه‌هزار نویسنده زن شده است که با نام مستعار مردانه اقدام به انتشار آثارشان می‌کرده‌اند.
جایزه ادبیات داستانی زنان بیلیز اولین‌بار در سال ۱۹۹۲ و یک سال پس از نامزد نشدن هیچ نویسنده زنی در جایزه بوکر، راه‌اندازی شد و به بهترین نویسنده زن (یا هر ملیتی) از حوزه ادبیات داستانی که اثر خود را به زبان انگلیسی در بازار کتاب بریتانیا نشر بدهد اعطا می‌شود. هدف از این جایزه که یکی از معتبرترین جوایز ادبی جهان به شمار می‌رود مشارکت هرچه بیشتر زنان در امر نویسندگی است.

پرده جراید

سردرگمی در باید و نبایدهای اخلاقی

ایران- ۱ در پی شیوع ویروس کرونا، ما با پدیده‌ای با ابعاد بی‌سابقه و پرسش‌برانگیز مواجه شدیم طبیعتاً در عرصه اندیشگی، فلسفی و فکری هم سؤالات جدی مطرح شد و افراد بسیاری به تأمل واداشته شدند؛ از جمله این پرسش‌ها این بود که وضعیت کنونی تا چه اندازه با مسئولیت اخلاقی، آن هم در عرصه علم و مناسبات انسانی و اجتماعی گره خورده است؟
واقعیت این است که تبعات داستان پلندی کرونا، کم از بمباران نظامی هیروشیما نیست در بمباران هیروشیما تعداد زیادی از مردم بنابر یک محاسبه اشتباه و تصمیم انسانی کشته شدند. بعد از این جریان، اندیشمندان بسیاری در خصوص مسئولیت اخلاقی و انسانی چنین اقداماتی اندیشیدند. پرداختن به همه پرسش‌ها در باب ابعاد نظری و فلسفی پلندمی کرونا در توان یک فرد نیست و تنها مقصود از این جستار، طرح پرسش‌هایی نظری در خصوص مسئولیت اخلاقی در عرصه علم و مناسبات انسانی و اجتماعی است.

۲ با وجود گذشت شش ماه از پلندمی کرونا، ما هنوز نمی‌دانیم که این پلندمی چگونه آغاز شده است؟ در این خصوص گمانه‌زنی‌هایی وجود دارد. پاسخ به این پرسش، در اینجا به وجهی سیاسی پیش رفت و هر یک از کشورها، دیگری را متهم می‌کرد در ادامه این پرسش مطرح شد که آیا کرونا پدیده‌ای طبیعی است یا نتیجه دستکاری انسان است؟ در این خصوص نیز اما و اگرهای بسیاری در محافل علمی و فکری شکل گرفت. حتی بر سر اینکه کدام سرزمین خاستگاه شیوع این ویروس بوده هم اجماع و اتفاق نظری وجود ندارد. واقعیت این است که پاسخ به هر یک از این پرسش‌ها، مستلزم کار و پژوهش علمی است اما تا به امروز تلاش برای پاسخ علمی به هر یک از این پرسش‌ها بی‌نتیجه مانده است و بیشتر در قالبی سیاسی با مقوله پلندمی کرونا برخورد شده است.
بنابراین، هنوز مشخص نیست که آیا کرونا به شکلی طبیعی در فضای زیست انسان شیوع پیدا کرد یا در پی تصرف انسان در طبیعت به وجود آمد؟ اگر ریشه پیدایش کرونا دستکاری انسانی باشد، در این صورت، مسأله بسیار بغرنج خواهد شد و اینجا پرسش از نادستان «مسئولیت اخلاقی انسان» و نحوه مواجهه انسان با طبیعت به شکلی بنیادی‌تر مطرح می‌شود. اما فارغ از احتمال آزمایشگاهی بودن ویروس کرونا و دستکاری انسانی در این ماجرا، مسأله و پرسش اخلاقی دیگری که این روزها ساحت اندیشگی را به خود درگیر کرده، اولویت و ترجیح حیات انسان‌ها است.

۳ واقعیت این است که هیچ یک از نظام‌های بهداشت و سلامت پیش‌بینی این ابعاد از ابتلا را در جهان نداشتند و به نوعی غافلگیر شدند؛ از یک طرف امکان برای درمان مبتلایان محدود است و از طرف دیگر با انبوه مبتلایان در جهان مواجه هستیم. در این فضا چه باید کرد؟ یک کار این است که تا آنجا که مقدور است و اقتصاد و جراح‌بوب‌ها اجازه می‌دهد، به همه مبتلایان خدمات درمانی لازم ارائه شود.
اما پرسش اصلی این است که چگونه می‌توان امکان های محدود درمان در جهان را بین جمعیت مبتلایان رو به افزایش تقسیم کرد؟ آیا همه انسان‌ها به نحو یکسانی با پلندمی کرونا مواجه می‌شوند؟ اولویت‌های درمانی براساس چه معیارها و گزینش‌هایی صورت می‌گیرد؟ در برخی از کشورها اولویت خدمات درمانی با جوانان است اما آیا افراد مسن از حق حیات برخوردار نیستند؟ ترجیح حیات یک فرد بر حیات فرد دیگر را با کدام ملاک اخلاقی می‌توان سنجید؟ آیا انسان‌ها به نحو مساوی حق حیات دارند؟ چه کسی این معیارها را تعیین می‌کند؟ اقتصاد؟ فرهنگ؟ سیاست؟
در برخی جوامع این استدلال حاکم است که چون جوانان توان اقتصادی را در یک جامعه بالا می‌برند، اولویت حیات با آنان است و مسن‌ترها از آنجا که تنها دریافت کننده خدمات هستند، در اولویت بعدی قرار می‌گیرند! این «گزش اقتصادی» به مسأله حیات، فیلسوفان اخلاق را در برابر پرسش جدی دیگری هم قرار می‌دهد و آن اینکه آیا ثمرات زندگی را تنها با معیارهای صنعتی و اقتصادی باید سنجید؟ واقعیت این است که به لحاظ نظری به جمع‌بندی در قبال این پرسش مهم نرسیدیم که معیار ترجیح حیات یک فرد بر فرد دیگر چه باید باشد؟
به نظر می‌رسد پرسش از ترجیح حیاتی بر حیات دیگر در شرایط پلندمی، در حد مورد نیاز و بسنده‌ای در افق دید ما قرار نگرفته است؟ هر چند که پیش‌تر این مسأله در جریان سقط جنین (اولویت حیات مادر یا جنین) برای فیلسوفان اخلاق مطرح شده بود. با این عنوان که «آیا حیات جدید نسبت به حیات قدیم ارجحیت دارد؟» «چه چیزی این اولویت را تعیین می‌کند؟»و...

۴ ابعادی که پلندمی کرونا پیدا کرد، تعداد عجیب و رو به افزایش بیماران در جهان و اشباع امکانات و ناگزیر شدن ترجیح حیات یک فرد بر حیات فرد دیگر در برخی از کشورها در کنار نبود آمادگی‌های نظری در خصوص این مسائل، شناخت مسئولیت اخلاقی را در چنین موقعیتی به امری به غایت دشوارتر بدل کرده است.
طبیعتاً بدنبال سردرگمی بشر در خصوص مسئولیت اخلاقی‌اش در شرایط پلندمی، جامعه انسانی آمادگی لازم برای تعیین «باید» و «نباید» حقوقی را هم نخواهد داشت. با کدام قانون و میثاق می‌توان در شرایط پلندمی باید و نباید را تعریف کرد؟ علاوه بر اینکه ما طی ده روز گذشته با یک پدیده عجیب و غریب نیز مواجه بودیم و آن تظاهرات در آلمان و برلین علیه «اقدامات پیشگیرانه کرونا» بود. در جریان این تظاهرات حدود سی هزار نفر به نشانه اعتراض بیرون آمدند. چنین اعتراضی آن هم در یک کشور جهان اول که از نظر وضعیت سازماندهی زندگی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در وضعیت مطلوبی قرار دارد، بسیار جای شگفتی داشت و اینجا است که باید از «باید و نبایدهای اخلاقی و حقوقی» راجع به افکار عمومی نیز پرسش کرد.
فاصله فیزیکی یعنی محدود شدن دایره تماس و رفت و آمد از نظر بسیاری از این مترشان، تجاوز به حقوق شخصی و اجتماعی بوده مدت‌ها بود که بشر از آنجا که پیوسته به بیرون از خود پرداخته، فرصت و مجالی برای پرداختن به خود و خلوت خود را نیافته بود و موقعیت کرونا او را در وضعیتی قرار داد که عملاً می‌توانست برای خلوت و پرداخت به خود به فرصتی دست پیدا کند اما نباید از این واقعیت هم چشم پوشید که در موقعیت کرونا، افراد را یک «عزلت ناخواسته» هم رو به رو هستند و واکنش‌ها به یک عزلت ناخواسته طبیعتاً با وضعیتی که فرد، خود عزلت و خلوت را به دلایل شخصی انتخاب می‌کند، متفاوت است و اعتراض مردم آلمان هم به این انتخابی نبودن و ناخواسته بودن فاصله‌گذاری فیزیکی بود و آن را به نوعی تعرض به حقوق فردی و شخصی‌شان قلمداد می‌کردند.

۵ بنابراین، به نظر می‌رسد پلندمی کرونا عرصه‌ای برای بازاندیشی و طرح پرسش‌های تازه در باب مسئولیت اخلاقی علم و مناسبات انسانی و اجتماعی است و ما با پرسش‌های بسیار مهم و جدی رو به رو هستیم و از آنجا که معلوم نیست که ماجرای شیوع ویروس کرونا تا چه زمانی ادامه خواهد داشت و آیا ما به دوران «قبل کرونایی» باز خواهیم گشت یا خیر؟ و زندگی بشر با چه حوادثی رو به رو خواهد شد؟ اندیشمندان جهان باید پیش از پرسش‌های اخلاقی را محل تأمل قرار دهند تا آمادگی نظری بیشتری برای مواجهه با وضعیت پلندمی پیدا کنیم.